

جمهوری اسلامی ایران
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

راهنمای گردآوری گویش ها

آذر فتحی

گروه گویش شناسی

اردیبهشت ۱۳۸۰

PIR
۳۲۲۱
/ف۲
/د۲

A Guide to Dialectology

Azar Fathi

دانشگاه ادین و جناب
Department of Linguistics

Iranian Academy of Language and Literature



1 2 4 2 6 3 8

شماره ثبت: ۱۸۱۸۸

April 2001





راهنمای گردآوری گویش ها

آذر فتحی

گروه گویش شناسی

اردیبهشت ۱۳۸۰

پیشگفتار

جزوه حاضر با توجه به ضرورت آگاهی علاقه‌مندان به پژوهش میدانی از نکات لازم در گردآوری و بررسی گویش‌ها فراهم آمده و در تهیه آن خواننده غیر متخصصی مورد نظر بوده است که اطلاعاتی در زمینه زبان‌شناسی دارد.

این جزوه مختصر که به مناسبت نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران نگاشته شده، حاوی نکاتی است که اطلاع از آنها برای هر پژوهشگر میدانی بایسته است و نگارنده سعی نموده که در آن به نکات اصلی و مهم پرداخته شود، لذا از ذکر جزئیات خودداری کرده است.

لازم به ذکر است که در جداول پایانی این راهنما از نشانه‌های رایج در میان ایران‌شناسان و نشانه‌های IPA (الفبای آوانگار بین‌المللی) که در بین زبان‌شناسان متداول می‌باشد استفاده گردیده است. در مواردی که دو نشانه درج شده، نشانه سمت راست نشانه IPA می‌باشد. نگارنده ترجیح می‌دهد در آوانویسی از نشانه‌های IPA استفاده کند، اما چون گروه گویش‌شناسی استفاده از آوانویسی رایج در میان ایران‌شناسان را ترجیح می‌داد، در جزوه از اینگونه نشانه‌ها استفاده گردیده است.

امید است مطالب این جزوه برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های گویشی مفید واقع گردد.

آذر فتحی

راهنمای گردآوری گویش‌ها

تعریف گویش

گویش را گاه به غلط گونه‌ای پست و نادرست از زبان معیار می‌شمارند که در مناطق دور افتاده رواج دارد، در حالی که از دیدگاه زبان شناسی گویش‌ها را نیز باید زبان به شمار آورد، اما چون زبان رسمی نیستند، نام زبان بر آنها اطلاق نمی‌شود.

گویش‌های یک زبان در واقع گونه‌هایی از آن زبان هستند که از لحاظ آوایی، دستوری و واژگانی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. لازم به ذکر است که اگر تفاوت میان دو یا چند گونه از یک زبان صرفاً آوایی باشد، آن گونه‌ها را **لهجه** می‌نامند. هر زبانی می‌تواند دارای گویش‌ها و یا لهجه‌های مختلف و هرگوشی می‌تواند دارای لهجه‌های گوناگون باشد.

گویش‌ها را به دو دسته اجتماعی و محلی تقسیم می‌کنند. گویش‌های اجتماعی گویش‌هایی هستند که در میان افرادی که موقعیت اجتماعی، اقتصادی و یا فرهنگی مشترک دارند رواج دارد، اما گویش‌های محلی به گویش‌هایی گفته می‌شود که در مناطق مختلف جغرافیایی رواج دارد. بررسی گویش‌های اجتماعی بخشی از علم جامعه شناسی زبان است و در چارچوب راهنمای حاضر نمی‌گنجد. از این رو، هرگاه در این مختصر از گویش سخن می‌گوییم، منظور گویش محلی است.

فواید گردآوری گویش‌ها

گردآوری و بررسی گویش‌های ایرانی فواید بسیاری دارد که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

۱. شناخت واژه‌های کهن در متون ادب فارسی یا متون برجای مانده از دیگر زبان‌های ایرانی که به فارسی دری نرسیده است.
۲. آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در طول زمان در مناطق مختلف.
۳. طبقه‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و شناخت روابط موجود میان آنها.
۴. شناخت آداب و رسوم، باورها و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گویشوران.
۵. کمک به تهیهٔ اطلس زبان‌شناسی ایران.
۶. فراهم آوردن مواد لازم برای مطالعات تطبیقی - تاریخی، به خصوص در بازسازیِ صورت‌های کهن، شناخت مفهوم نام‌های خاص و تدوین فرهنگ اشتقاقی زبان فارسی.
۷. فراهم آوردن مواد ایرانی تبار برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی در زبان فارسی.
۸. ثبت گویش‌های رو به زوال برای استفادهٔ پژوهشگران آینده.

ویژگی های پژوهشگر

کسی که می خواهد به گردآوری و بررسی گویش ها بپردازد، پیش از هر چیز باید با اصول آواشناسی تولیدی و شیوه آوانویسی آشنا باشد، چرا که باید صداهایی را که می شنود به دقت تشخیص دهد و آوا نویسی کند.^۱ به علاوه، اگر خود می خواهد مواد گردآوری شده را تجزیه و تحلیل کند و به نگارش راهنمایی برای گویش مورد نظر بپردازد، باید با مبانی زبان شناسی، به خصوص صرف، نحو، معنی شناسی و واژه نگاری آشنا باشد. از آن گذشته، باید به ظرایف روابط اجتماعی آگاه باشد و پیش از سفر به منطقه مورد نظر، درباره فرهنگ آن منطقه و مشکلاتی که ممکن است با آنها مواجه شود اطلاعاتی کسب کند و پیش بینی های لازم را به عمل آورد.

ویژگی های گویشوران

گویشورانی که برگزیده می شوند، باید حتی الامکان سالخوردگانی باشند که از کودکی ساکن آن منطقه بوده اند و تلفظی واضح دارند. هر اندازه گویشور بی سواد تر باشد، اطلاعات به دست آمده معتبرتر خواهد بود، زیرا گویشوران تحصیل کرده در پاره ای از موارد، آگاهانه یا ناآگاهانه، به زبان

(۱) برای آوانویسی گویش های ایرانی می توان از جداول موجود در پایان این راهنما استفاده کرد.

معیار متوسل می‌شوند.

پیش از این، در اکثر پژوهش‌های گویش‌شناختی گویشوران مرد را بر زن ترجیح می‌دادند، اما در پژوهش‌های جدید درصدی از گویشوران را از میان زنان و حتی از تحصیل‌کردگان برمی‌گزینند.

ویژگی‌هایی چون علاقه‌مندی، شکیبایی، تیزهوشی و پرحرفی را نیز می‌توان در انتخاب گویشوران برتر مد نظر قرار داد.

گردآوری پیکره زبانی

از آن‌جا که هرگونه تجزیه و تحلیل زبانی و استخراج نکات آوایی، صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی بر پایه پیکره زبانی است، باید در گردآوری آن نهایت دقت را به عمل آورد. پیکره زبانی را از دو طریق می‌توان به دست آورد:

۱. ارسال پرسشنامه به منطقه یا مناطق مورد نظر. در این روش پژوهشگر از گویشوران یا حتی از افرادی که خود گویشور نیستند می‌خواهد که پرسشنامه را تکمیل یا پاسخ‌ها را بر روی نوار ضبط کنند.

۲. پژوهش در محل و مصاحبه با گویشوران. در این روش پژوهشگر خود مستقیماً با گویشوران مصاحبه می‌کند و اطلاعات مورد نیاز را بر روی پرسشنامه درج یا بر روی نوار ضبط می‌کند.

اگرچه شیوه نخست هزینه کمتری را بر پژوهشگر تحمیل می‌کند و در مدت زمان کمتر می‌توان اطلاعات بیشتری به دست آورد، از آن جا که مسئولیت تکمیل پرسشنامه به افراد غیر متخصص سپرده می‌شود، چندان نمی‌توان اطلاعات به دست آمده را موثق دانست. بنابراین، بهترین شیوه برای گردآوری پیکره زبانی حضور در محل و مصاحبه رو در رو با گویوران است.

پرسشنامه

نخستین صفحه از پرسشنامه باید در بردارنده اطلاعات مربوط به گویور باشد. این اطلاعات عبارت‌اند از: نام و نام خانوادگی، سن، محل تولد، مذهب، شغل، میزان تحصیلات، نام گویش یا گویش‌های والدین، نام گویش‌های دیگری که می‌داند.

بخشی از پرسشنامه را نیز باید به اطلاعات مربوط به گویش اختصاص داد. این اطلاعات عبارت‌اند از: نام گویش، نام آبادی یا شهر، تعداد گویوران باسواد و بی‌سواد، نام زبان‌ها یا گویش‌های دیگری که در آن آبادی یا شهر رایج است، نام زبان‌ها یا گویش‌های اطراف، میزان آشنایی گویوران با زبان معیار و این که آیا متنی مکتوب به آن گویش وجود دارد یا نه.

جمله‌های موجود در پرسشنامه یا جمله‌هایی که پژوهشگر شفاهاً از گویور می‌پرسد، می‌تواند از دو نوع زیر باشد:

۱. پرسش‌هایی که پاسخ‌شان تنها یک کلمه است، مانند:

این جانور را چه می‌نامید؟ (پاسخ: سگ)

۲. جمله‌هایی با یک جای خالی که باید توسط گویشور تکمیل شود، مانند:

خورشید در _____ است. (پاسخ: آسمان)

در پاره‌ای از موارد، به خصوص برای استخراج واژه‌هایی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند و نیز برای استخراج صورت‌های صرفی افعال، می‌توان از جمله‌های زیر نیز بهره برد:

۱. پرسش‌هایی که پاسخ‌شان بیش از یک واژه است، مانند:

از شیر چه چیزهایی می‌توان گرفت؟ (پاسخ: کره، پنیر، ماست، ...)

۲. جمله‌هایی با چند جای خالی که گویشور باید در هر جای خالی

صورتی صرف شده از یک کلمه واحد را قرار دهد، مانند:

خیاط کسی است که لباس _____ . (پاسخ: می‌دوزد)

دیروز مادرش پیراهنی برایش _____ . (پاسخ: دوخت)

هفته گذشته از خیاط خواستم پیراهنی برایم _____ . (پاسخ:

بدوزد)

شیوه دیگری که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که از گویشور

خواسته شود درباره موضوعی خاص یا موضوعی که خود بدان علاقه‌مند

است مدتی سخن بگوید.

در تکمیل پرسشنامه توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. اگر درستی برخی از پاسخ‌ها مورد تردید باشد یا گویشور به پرسشی پاسخ نداده باشد، پژوهشگر باید در مقابل آن پرسش علامت خاصی بگذارد و در جایی مفهوم علامت‌های به کار رفته را توضیح دهد.
۲. هرگاه گویشوران پاسخ‌های متفاوتی به پرسش‌ها داده باشند و پژوهشگر پاسخ صحیح را تشخیص ندهد، باید در مقابل هر پاسخ نام گویشور را نیز بنویسد.
۳. اگر واژه‌ای به دو یا چند شکل ادا می‌شود، همه آن صورت‌ها را باید یادداشت کرد.

تنظیم یافته‌ها و تدوین راهنمای گویش

پس از آن که پژوهشگر با استفاده از پرسشنامه یا مصاحبه مستقیم بیکره زبانی را فراهم آورد، باید نخست اطلاعات به دست آمده را تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی کند و سپس به تدوین راهنمایی برای گویش مورد نظر بپردازد. کامل‌ترین راهنما برای یک گویش راهنمایی است که بخش‌های زیر را شامل شود:

۱. مقدمه در معرفی گویش، تاریخ، جغرافیا، تعداد گویشوران، گونه‌های آن و ارتباطی که با گویش‌های مجاور دارد.
۲. توصیف واج‌های گویش از نظر جایگاه تولید، شیوه تولید و واکبری با استفاده از جفت‌های کمینه.

۳. توصیف ساختمان هجا و محل قرار گرفتن تکیه.
۴. تفاوت‌های آوایی با فارسی معیار (به خصوص اگر موضوع تحقیق گونه‌ای از زبان فارسی باشد).
۵. ساختمان اسم، صفت، ضمیر، عدد، قید، اصوات و نقش نماها.
۶. نظام صرف فعل (زمان، وجه، نمود، جهت، افعال با قاعده و بی قاعده، افعال کمکی، افعال مرکب، افعال سببی، نشانه‌های نفی و نهی).
۷. نحو (ترتیب اجزای جمله، تطابق فعل با فاعل، انواع جمله، جمله‌های شخصی و غیر شخصی).
۸. ساختمان واژه (ترکیب و اشتقاق).
۹. نمونه‌هایی از افسانه‌ها، بازی‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها و غیره.
۱۰. واژه‌نامه الفبایی (از گویش به فارسی و بالعکس با آوانوشت).
۱۱. فهرست واژه‌های خاص فرهنگی (مثلاً اگر اکثر گویشوران دامدار هستند، فهرست واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به دامداری).

نکات مهم در بررسی گویش‌های ایرانی

۱. اسم در برخی از گویش‌های ایرانی دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و وابسته‌های آن نیز از لحاظ جنس با آن مطابقت می‌کند. حتی در پاره‌ای از موارد فعل نیز دارای جنس است و با فاعل خود

مطابقت می‌کند. از این رو، در بررسی این گویش‌ها باید به دقت نشانه‌های مربوط به جنس را استخراج کرد. در واژه‌نامه چنین گویش‌هایی نیز باید با علائم اختصاری جنس اسامی را مشخص کرد.

۲. اسم در برخی از گویش‌های ایرانی دارای حالت (مثلاً فاعلی، غیر فاعلی، اضافی) است. از این رو، در بررسی این گویش‌ها باید نشانه‌های حالت را نیز به دقت استخراج کرد.

۳. برخی از گویش‌های ایرانی اصطلاحاً "ارگتیو" خوانده می‌شوند. در این گویش‌ها صرف افعال متعدی در زمان‌های گذشته با صرف افعال لازم متفاوت است. از این رو، در بررسی این گویش‌ها باید برای همه زمان‌های ماضی نمونه‌هایی از افعال متعدی و لازم را ارائه داد.

۴. در برخی از زبان‌های ایرانی صورت مصدری فعل کاربردی ندارد، از این رو باید در واژه‌نامه این گویش‌ها به جای مصدر از صیغه سوم شخص مفرد ماضی استفاده کرد.

نشانه‌های آوایی

۱. صامت‌ها

نشانه آوایی	توصیف آوایی	معادل فارسی (یا غیر فارسی) آوا	مثال	آوا نوشت
p	انسدادی، دولبی، بی واک	پ	پاک	pāk
b	انسدادی، دولبی، واکدار	ب	بال	bāl
t	انسدادی، دندانی، بی واک	ت، ط	تند	tond
d	انسدادی، دندانی، واکدار	د	دانه	dāne
k	انسدادی، نرم‌کامی، بی واک	ک	کار	kār
g	انسدادی، نرم‌کامی، واکدار	گ	گلاب	golāb
Q/q*	انسدادی، ملازی، بی واک	عربی: ق	عربی: قدیر	Qadir
q/G	انسدادی، ملازی، واکدار	ق، غ	قلم	qalam
ʔ	انسدادی، چاکنایی، بی واک	همزه، ع	بعید	ba'id
č/tʃ	انسدادی - سایشی، الثوی - کامی، بی واک	چ	چپ	čap
ʝ/dʒ	انسدادی - سایشی، الثوی - کامی، واکدار	ج	جان	ʝān
f	سایشی، لبی - دندانی، بی واک	ف	فرشته	ferešte
v	سایشی، لبی - دندانی، واکدار	و	وزن	vazn

* نشانه‌هایی که در سمت راست / آمده در الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) رایج است.

نشانه آوایی	توصیف آوایی	معادل فارسی (یا غیر فارسی) آوا	مثال	آوا نوشت
s	سایشی، لثوی، بی واک	ث، س، ص	سال	sāl
z	سایشی، لثوی، واکدار	ذ، ز، ض، ظ	زمین	zamin
š/ʃ	سایشی، لثوی-کامی، بی واک	ش	شیر	šir
ž/ʒ	سایشی، لثوی-کامی، واکدار	ژ	ژرف	žarf
ɣ	سایشی، نرم‌کامی، واکدار	عربی: غ	عربی: غیب	ɣayb
x	سایشی، ملازی، بی واک	خ	خبر	xabar
ħ/h	سایشی، حلقی، بی واک	عربی: ح	عربی: حکیم	ħakim
ʕ	سایشی، حلقی، واکدار	عربی: ع	عربی: علیم	ʕalim
h	سایشی، چاکنایی، بی واک	ه، ح	هوش	huš
m	غنه‌ای، دولبی، واکدار	م	مادر	mādar
n	غنه‌ای، دندانی، واکدار	ن	نام	nām
l	کناری، لثوی، واکدار	ل	لب	lab
r	لرزشی، لثوی، واکدار	ر	راه	rāh
y/j	ناسوده (نبمه مصوت)، کامی، واکدار	ی	یاد	yād
w	ناسوده، دولبی، واکدار	عربی: و	عربی: وکیل	wakil

۲. مصوت‌ها

نشانه آوایی	توصیف آوایی	معادل فارسی (یا غیر فارسی) آوا	مثال	آوا نوشت
i	بسته، پیشین، گسترده	ای	میز	miz
ü	بسته، پیشین، گرد	ترکی: اؤ	ترکی: سوت (= شیر)	süt
e	نیمه بسته، پیشین، گسترده	اِ	مهر	mehr
ē	نیمه بسته، پیشین، گسترده، کشیده	(اصطلاحاً پای مجهول)	کردی مهابادی: شیر (= شیر جنگلی)	šēr
ö	نیمه بسته، پیشین، گرد	ترکی: اُ	ترکی: گُز (= چشم)	göz
ɛ	نیمه باز، پیشین، گسترده		قائنی: سِ (= سه)	sɛ
a	باز، پیشین، گسترده	آ	فرش	farš
ā/a	باز، پسین، گسترده	آ	تاب	tāb
o	نیمه بسته، پسین، گرد	اُ	گل	gol
ō	نیمه بسته، پسین، گرد، کشیده	(اصطلاحاً واو مجهول)	کردی مهابادی: رُز (= روز)	rōž
u	بسته، پسین، گرد	او	نور	nur
ə	نیمه باز، پیشین، گسترده		گیلکی: مین (= مَن)	mən
ey/ei	مصوت مرکب	ای	نی	ney
əw/əu	مصوت مرکب		ملایری: او (= آب)	əw
ay/ai	مصوت مرکب	عربی: آی	عربی: خَیر	xayr
aw/au	مصوت مرکب	عربی: آو	عربی: یوم (= روز)	yawm
āy/ai	مصوت مرکب	آی	چای	čāy
āw/au	مصوت مرکب		کردی: آو (= آب)	āw
oy/ui	مصوت مرکب	ای	خوی (نام شهر)	xoy

نشانه آوایی	توصیف آوایی	معادل فارسی (یا غیر فارسی) آوا	مثال	آوا نوشت
ow/ou	مصوت مرکب		موز	mowz
ey/ei	مصوت مرکب	ای	نی	ney
uy/ui	مصوت مرکب	اوی	موی	muy

نشانه های اضافی

yūn	آفتری: یون (= آنها)		علامت کشیدگی مصوت *	/: -
koftō	خوری: کُفتن (= افتادن)		علامت غنه ای شدگی مصوت	-
x ^w ār	کردی مهابادی: خوار (= خواهر)		علامت لبی شدگی صامت	w
das'te	دسته		علامت تکیه (قبل از هجای تکیه دار)	'

* باید توجه داشت که نشانه ā آوای "آ" را می نمایاند، نه "آ کشیده". اگر درگوشی "آ کشیده" وجود داشته باشد، در آن صورت می توان برای "آ کشیده" از ā و برای "آ" از â استفاده کرد.

منابعی برای مطالعه بیشتر:

اختیار، منصور، "شیوه بررسی علمی گویش‌ها"، *مجله دانشکده ادبیات تهران*، سال ۱۲، شماره ۲ (۱۳۴۳).

جهانگیری، نادر، "نگاهی تازه به گویش‌شناسی"، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، سال ۲۵، شماره ۳ (۱۳۷۱).

سامارین، ویلیام، *زبان‌شناسی عملی*، ترجمه لطیف عطاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، بی تاریخ.

کلباسی، ایران، "ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی"، *مجله زبان‌شناسی*، سال ۵، شماره ۲ (۱۳۶۷).

_____، "راهنمای گردآوری گویش‌ها"، *یاد بهار*، ویراسته علی محمد حق‌شناس، کتابون مزداپور و مهشید میرفخرایی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.

کیا، صادق، *راهنمای گردآوری گویش‌ها*، تهران، انتشارات اداره فرهنگ عامه، ۱۳۴۰.

Chambers, J.K. and Trudgill, P., *Dialectology*, Cambridge University Press, 1993.